برای مجری‌ها خط قرمز تعیین کنید، وایرال همه‌چیز نیست

به خاطر یک مشت لایک

فرهیختگان

اگر مخاطبان این متن موافق باشند از این به بعد ستونی در «فرهیختگان» باز کنیم و به دستاوردهای مجریان تلویزیون و یوتیوب و غیره بپردازیم، چون تورم تلاش برای وایرال‌شدن با قیمت دلار- حتی سریع‌تر از آن- رو به‌افزایش است و این فرایند دائماً بین تلویزیون و یوتیوب در حال پاس‌کاری است. از یک طرف مجری تی‌وی‌پلاس خودش را با خندیدن به تروماهای فلان بازیگر و پرسش‌های عجیب‌وغریب وایرال می‌کند و از طرف دیگر فلان مجری تلویزیونی درگیر طرفداران فلان تیم لیگ‌برتری می‌شود و راه ترندشدگی را پیدا می‌کند و با همین روش مخاطبان برنامه صبحگاهی را تا شامگاهان پای اینستاگرام می‌نشاند تا الفاظ نامبارکی را به او نسبت دهند. ما قرار نیست نیت‌خوانی کنیم؛ اما در ۱۰ سال اخیر شکل برنامه‌سازی در تلویزیون بیرون از آن به‌گونه‌ای شده که همه مایلند دست‌وپا بزنند برای چرخیدن و وایرال‌شدن. این موضوع الزاماً بد نیست؛ اما زمانی داستان بیخ پیدا می‌کند که یک برنامه تنها چیزی که در چنته دارد همین تکه‌های وایرالی باشد. البته این هم از پیامدهای مکانیزم‌های سازمان است که در ۱۰ سال اخیر، برای خود قاعده‌ای ترسیم کرده که برنامه موفق، برنامه‌ای است که بیشتر در فضای مجازی دیده و اصطلاحاً بچرخد.

در چنین وضعیتی دو نگاه پدید می‌آید اول، نگاه مدیریتی است که وایرال‌شدگی را موفقیتی برای دیده‌شدن برنامه و افزایش «واچ تایم» عنوان می‌کند و ترسی از اعلام این موضوع ندارد و دوم، نگاهی که با فرار از این مدل نگریستن، هم وایرال‌شدگی را در لفافه پیش می‌برد و هم پز دغدغه‌داشتن را سر دست می‌گیرد، اگر هم کسی انتقاد کند که این مدل از نگریستن، شهرت منفی است و بدنامی به همراه دارد، به‌جای آنکه بلند موضع اصلی را اعلام کند و بگوید بدنامی بهتر از گمنامی است، می‌افتد روی دور توجیه.

تکلیف یوتیوب که از اساس مشخص است. واچ تایم مسئله اصلی است و درآمد هم از همان حاصل می‌شود، اما نکته اصلی درباره رسانه ملی است. اینکه برنامه ساخته شود تا دیده شود، یکی از شرط‌های لازم موفقیت یک برنامه به‌حساب می‌آید، اما آیا شرط کافی هم است؟ آیا اینکه مدل برنامه‌ای ساخته شود که تنها قدرت و محوریتش روی همین اظهارات حساسیت‌برانگیز بچرخد به این معنی است که برنامه موفقی بوده؟ نگاهی به واچ تایم کامل همین دست برنامه‌ها بیندازید چه تعداد از مخاطبان، اسمش را می‌دانند؟ میزان مخاطبانش در تلوبیون چقدر است و به نسبت دیگر تولیدات اول صبح تلویزیون در چه وضعیتی قرار دارد؟

مسئله اصلی تفاوت جایگاه تلویزیون است با باقی رسانه‌های ارتباط‌جمعی. وقتی یک مجری در یوتیوب شروع به کری خواندن می‌کند، آنجا کنارش لفظ ملی نیامده است. وقتی لفظ ملی و رسانه ملی پیش کشیده می‌شود باید درباره اظهارنظرها و نوع ادبیات تجدیدنظر کرد، باید نگاه‌ها را تغییر داد و تفاوت ادبیاتی که در تلویزیون می‌چرخد را با ادبیات فضای مجازی در نظر گرفت. حالا یک پرسش جدی؛ آیا عملکرد فعلی برخی مجریان تلویزیون رنگی از این تفاوت دارد یا موج‌سواری روی کانال‌های هواداری است؟

رسول مهربانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کری نخواندم، برعکسش بود هم می‌گفتم

محمدحسین سلطانی
خبرنگار گروه فرهنگ

واکنش رسول مهربانی، مجری برنامه «سلام صبح بخیر»، به بازی استقلال، در هفته گذشته؛ بازخوردهای گسترده‌ای در فضای مجازی به وجود آورد. بسیاری از طرفداران استقلال صحبت‌های او را احساسی و بعضاً تحریک‌آمیز تلقی کردند! به همین بهانه به سراغ مهربانی رفتیم تا از نگاه خودش ماجرا را بشنویم. او در این گفت‌وگو تأکید کرد که قصد توهین یا بی‌احترامی نداشته و نمی‌خواسته کُری بخواند و زاویه متفاوتی را برای نگاه به این بازی انتخاب کرده است.

سؤال خود را از اینجا آغاز می‌کنم که یک تغییر در برنامه «سلام صبح بخیر» شکل گرفت و تیم جدیدی به برنامه آمد. ترکیب تیم شامل یک کاراکتر از بخش ورزشی و یک مجری گفت‌وگومحور است که مثلاً آقای خسروی را ما از برنامه قبلی ایشان در شبکه دو، یعنی «زنده باد زندگی»، می‌شناختیم و همچنین خانم مبینا نصیری. ابتدا کمی درباره نحوه شکل‌گیری این ترکیب و علت پذیرش اجرای برنامه توسط شما توضیح دهید.

در مورد برنامه‌سازی در تلویزیون ایران، اگر دقت کنید، سال‌هاست که با توجه به موج جدید، که منظورم همان فضای مجازی است و از اوایل سال ۲۰۱۰ (در ایران حدود سال‌های ۹۰ و ۹۱) شکل گرفت، مردم کم‌کم دو ذائقه‌ای شدند. یعنی ذائقه مخاطب هم تلویزیون بود و هم فضای مجازی. با توجه به مشغله‌های کاری و روزمره، ما از آن برنامه‌سازی‌های موفق دهه‌های هفتاد و هشتاد کمی فاصله گرفتیم. این امر طبیعی بود؛ چراکه فضای مجازی نوپا بود و مردم بیشتر تمایل داشتند در آن فضا حضور داشته باشند. اما با نگاه سازمان صداوسیما، بالاخره در فضایی که هم می‌توان آن را جنگ فرهنگی دانست و هم فرصت فرهنگی، ما باید از این فرصت استفاده می‌کردیم. شاید در طول این سال‌ها آزمون و خطاهایی صورت گرفته باشد. در چند سال اخیر، با توجه به شدت و گسترش فضای مجازی، برخی می‌گفتند تلویزیون عقب‌مانده؛ اما واقعاً این‌گونه نبود. شاید نتوانستیم آن شاه‌بیت یا نقطه عطف را استخراج کنیم، وگرنه برنامه‌های بسیار خوبی هم در این سال‌ها ساخته شده. حالا در برنامه جدید «سلام صبح بخیر» ما سعی کردیم از همه آن تجربه‌ها عبور کنیم. تلویزیون در طول این سال‌ها تلاش می‌کرد گروه‌سازی کند. نمونه‌های زیادی هم در شبکه‌های یک، دو و سه داشتیم؛ در برنامه‌های صبحگاهی، بعدازظهر یا شب. اما «سلام صبح بخیر» در مدل و قالب جدید خود، سعی کرد یک سه‌گانه و سه‌نفره شکل دهد که بتواند مخاطب را همراه‌سازد. این سه‌گانه شامل کاراکترهایی است که هم مستقل هستند و هم‌زمان کنار یکدیگر قرار گرفته و جذابیت ایجاد می‌کنند. یعنی هر شخصیت حقیقی و واقعی در حالت اجرا یک کنش یا اجرای تلویزیونی دارد، اما هم در محتوا و هم در ظاهر با یکدیگر پیوند خورده و یکدیگر را تکمیل می‌کنند. پس از این آزمون و خطاها در دهپانزده سال اخیر، که هم موفقیت‌آمیز بودند و هم ناموفق (چه در فضای مجازی و چه در تلویزیون)، من احساس می‌کنم فصل جدید «سلام صبح بخیر» با همین نگاه شکل گرفت و باید از ایده‌پردازان آن تشکر کرد. زمانی که متوجه شدم قرار است با چنین ترکیبی، یعنی «سلام صبح بخیر»، وارد این داستان شویم، به همین دلیل پذیرفتم. احساس می‌کنم هم جناب آقای خسروی، هم بنده و هم خانم مبینا نصیری، شخصیت‌هایی هستیم که می‌توانیم حداقل در یک یا دو ساعتی که در ابتدای روز با مردم در ارتباطیم، یک اتفاق خوب را رقم بزنیم.

اگر بخواهیم دقیق‌تر شویم، منظور از این جدید بودن چیست؟ و در ادامه، نکته مهمی که خودتان هم اشـــاره کردید: اکنون به‌ویژه در برنامه‌های تلویزیونی یا در فضای یوتیوب، انگار یکی از مسائل اصلی این شده که محتوا در فضای مجازی بچرخد یا ترند شـــود. این واژه «چرخیدن» را ما ۱۰ سال پیش برای برنامه‌ها نداشتیم. آیا امروز معیار برنامه خوب، برنامه‌ای اســـت که بتواند بچرخد؟ «سلام صبح بخیر» با این موضوع «چرخیدن» چگونه خود را تعریف می‌کند؟ چون اگر بخواهیم ســـاده و واضح به ماجرای اخیر (مثلاً حاشیه مربوط به استقلال و پرسپولیس و حرف‌وحدیث‌هایی که پیش آمد) بپردازیم، به نظر می‌رسد این اتفاق در ذیل همان ترندشدگی تعریف می‌شود.

قبل از حرف زدن درباره آن موضوع، این نکته را بگوییم: از همان ســـالی که فضای مجازی شکل گرفت، در ابتدا شاید تدبیر سازمان صداوسیما و همه نهادهای رسانه‌ای بر این بود که در کنار فضای مجازی پیش برویم، اما زمانی که فضای مجازی قدرت گرفت، ما شاهد تشکیل نهادهایی مثل شورای عالی فضای مجازی بودیم. این نشان می‌دهد که فضای مجازی مهم است. از رهبر معظم انقلاب تا کسانی که در زیر مجموعه ایشان و حتی مستقل هستند (چه در ایران و چه در دنیا) همگی بر این مهم تأکید دارند. پس ما نمی‌توانیم این فضا را نادیده بگیریم. دوره کنونی دوره‌ای است که شما باید دو بال داشته باشید: اول، رسانه تصویری که مردم به‌راحتی به آن دسترسی دارند (تلویزیون)؛ و دوم، فضای مجازی که در دسترسشان است. ما باید این دو را کنار هم ببینیم و آن‌ها از هم جدا نیستند. «سلام صبح بخیر» این دو را با هم می‌بیند. قاعدتاً ما برای فضای مجازی کار نمی‌کنیم و فضای مجازی را به برنامه نیاورده‌ایم که محتوا صرفاً برای آن پیش برود، یا برعکس؛ ما کاری نمی‌کنیم که صرفاً به دل فضای مجازی برویم. این‌ها در کنار هم هستند. اگر عکس، صحبت یا مطلبی منتشر می‌شود، ابتدا در تلویزیون اتفاق می‌افتد، اما جذابیتش به فضای مجازی هم می‌رسد. به نظر من این یک بلوغ و یک رخداد مثبت است. بله، شاید برنامه‌های دیگر تلویزیونی تلاش کنند کاری کنند که به اصطلاح امروزی‌ها بچرخد یا وایرال شود، اما «سلام صبح بخیر» این دو را با هم می‌بیند. یعنی مخاطب من که امروز پای تلویزیون نشسته است، بهره خود را ببرد. حال اگر خروجی هم گرفته شد و فردا خواستند در فضای مجازی ببینند، آنجا هم دیده شود؛ به این معنی که برنامه جذاب باشد. جذابیت برنامه فراتر از بحث حاشیه است. باید بسیار محکم بگویم که ما به هیچ وجه دنبال ایجاد حاشیه نبوده‌ایم، نیستیم و نخواهیم بود. به‌صراحت می‌گویم، حداقل از جانب خودم و شناختی که از گروه دارم. اما در عین حال که می‌خواهیم جذابیت ایجاد کنیم، این امر قطعی است. این همه نقدهای غیرمنصفانه‌ای که به تلویزیون می‌شد که به برنامه‌ها دیدن ندارد... نه این‌گونه نیست. اتفاقاً بسیاری برنامه را می‌بینند و بسیاری از کسانی هم که در این سال‌ها نقد می‌کردند، ابتدا تلویزیون می‌دیدند و بعد نقدشان را در فضای مجازی مطرح می‌کردند. پس این حجم از نقد در فضای مجازی، نشان می‌دهد که تلویزیون دارد کار خود را به‌خوبی انجام می‌دهد.

همین حاشیه‌هایی که گفتید بالاخره به برنامه کمک کرده. این موضوع را می‌شود نادیده گرفت؟!

حداقل کاراکتر من به‌طوری است که شاید همین طور صحبت کردن من، به‌صورت ناخودآگاه هم، به فضای مجازی کمک کند. این را ما بالاخره بعد از المپیک شاهد بودیم. یک سؤال از شما دارم: رقابت‌های المپیک را که گزارش کردم، رقابت‌های تکواندو را، آیا داشتم برای فضای مجازی گزارش می‌دادم؟ خیر، برای مردم گزارش می‌دادم. کاملاً مشـــخص بود. آن صدای گرفته و حالت‌های حماســـی و درامی که داشت، خیلی‌هایش را خودم متوجه نمی‌شـــدم؛ یعنی در فضای شیاب‌چانگ (زمین مسابقه) بودم، اما فضای مجازی از آن بهره‌اش را گرفت. یعنی فضای مجازی روی این سوار شد و رفت. ما هیچ‌وقت خودمان روی موج فضای مجازی سوار نمی‌شویم. همین الآن هم در برنامه مستقلاً کار می‌کنیم. کاراکتر رسول مهربانی دارد و خودش مستقلاً کار را انجام می‌دهد؛ فضای مجازی می‌آید و روی این سوار می‌شود. شاید جملاتی که من به‌کار می‌برم، جملاتی یونیک و خاص باشند که تا به امروز کسی به‌کار نبرده است. این طبیعی است و شاید بقیه مجری‌ها تا به امروز این را به‌کار نبرده باشند. این دلیل بر آن نیست که اگر من این عبارت را می‌گویم، مختص فضای مجازی است. خیر، این‌گونه نیست. این بیان مستقلاً در برنامه مطرح می‌شود و ما فضا را این‌گونه می‌بینیم؛ یعنی اولویت با برنامه است. حال اگر چیزی هم به فضای مجازی منتقل شد، چه بهتر. خب طبیعتاً وقتی محتوا می‌رود، برنامه دیده می‌شود و من احساس می‌کنم امروز برنامه به‌خاطر خودِ محتوا بالا آمده است.

خب، الان ما اگر برآورد کنیم چه چیزهایی طی این مدت از «سلام صبح بخیر» ترند شده و در فضای مجازی چرخیده، می‌بینیم که جدی‌ترین موارد حاشیه‌ها هستند، نه خود متن اصلی برنامه. خب این با حرف شما تناقض ندارد؟

نه. کدام حاشیه؟

مهم‌ترینش همین ماجرای استقلال و پرسپولیس بود دیگر. یعنی مهم‌ترین چیزی که الآن چرخیده است.

منظور از حاشیه چیست؟ اجازه دهید حاشیه را برای شما تعریف کنم: حاشیه یعنی اینکه من بیایم یک صحبت غیرواقعی یا حتی نیمه‌کذب (نه کذب کامل) را که بوی شیطنت می‌دهد، در برنامه بگویم؛ یا موضوعی را مطرح کنم که رفرنس و مرجع ندارد. اما حاشیه ایجاد شدن برای یک محتوای بدونِ حاشیه، مسیرش مشخص است؛ مانند روندی که ما در برنامه داریم. مثال می‌زنم: ما یک بیت شعر خواندیم، درست است یا نه؟

بله.

خب، یک بیت شعر از مولانا بود. هنرِ تمیز گفتن یک اتفاق، بدون پرداختن به حواشی، توسط من بیان شد. آیا غیر از این بود؟

به فرض که درست می‌گویید، به نظرم برویم جلوتر. صحبت کردن درباره استقلال و پرسپولیس، خودبه‌خود حاشیه ایجاد می‌کند.

ببینید، اینکه این موضوع ذاتاً حاشیه‌دار به‌کنار، خب طبیعی است. آیا می‌شود به آن نپرداخت؟ خب، چگونه بپردازیم؟ اگر بیایم شروع کنم از ارکان بزنم و بگویم آقای فلانی باعث نتیجه ضعیف استقلال شده، خب این کار که در همه شبکه‌ها و در فضای مجازی هست. ما چه می‌گوییم؟ ما نگاه هنرمندانه داریم. اکنون یکی از چیزهایی که در طول تاریخ ایران مانده است، این است که ایرانی‌ها قوه طنز و بداهه بالایی داشته‌اند؛ از طنزهای قدیمی مانند گل‌آقا و آقای فومنی (خدارحمتشان کند)، تا مطالبی که در زمان تحصیل از مرحوم عبید زاکانی یا حتی سعدی علیه‌الرحمه می‌گفتند. شما اگر دقت کنید، قوه طنز همواره وجود داشته است. اینکه شما چگونه بیان کنید مهم است. ببینید، ۷ به هیچ باختن استقلال، به‌شدت برای ما سنگین است. اصلاً بحث طرفداری مطرح نیست! اصلاً خیلی مسخره است بخواهد بحث طرفداری در چنین شرایطی مطرح شود. اما برای اینکه صدای ما به گوش برسد و اتفاقاً ما در کنار هوادار قرار بگیریم... یک موقع هست برنامه‌های تخصصی در شبکه‌های مختلف (شبکه سه، خبر، حتی اخبار شبکه یک یا برنامه‌های شبکه دو) به این موضوع می‌پردازند. شاید مجری‌ها تیکه بیندازند، اما عموماً می‌روند و اصلِ نقد را می‌گیرند و شروع می‌کنند به گفتن این که آقا تیم این‌گونه بوده، این‌قدر گل خورده، چرا این‌گونه بوده؟ «آقای مدیرعامل بیا توضیح بده!» ما در آن برنامه اگر هم بخواهیم بگوییم، چون زمان ما محدود است، قاعدتاً رسول مهربانی باید از قوه و ظرفیت خودش برای نتیجه گرفتن بهتر استفاده کند. لذا اگر زبان طنز به‌کار می‌رود، این زبان طنز به معنای خدایی نکرده توهین نیست. زبان طنز من، زبان ناطق مردم است، منتها از جانب من به‌نحوی گفته می‌شود که اگر کسی سر صبح برنامه را دید، فضای آن طوری نباشد که انگار داریم در مورد فیزیک هسته‌ای و کوانتوم صحبت می‌کنیم. فضایی را می‌گوییم که یک تلخی عجیبی پشتش است، اما نیاز دارد که کسی هم که پای تلویزیون می‌نشیند، لبخندی هم بزند، در عین حالی که نقد کرده است. در همان حین شما صحبتتان را به‌صورت طنز گفته‌اید و مردم این را می‌بینند و می‌پذیرند. این رویکرد وجوه مختلفی دارد. شاید حالا یک مدت بعد با این وجوه هم مردم، یعنی آن هواداری که آمد و احساس می‌کند اتفاقی افتاده، خودش هم آشنا شود (که آشناست)، متوجه است و می‌فهمد ما داریم چه می‌گوییم و الحمدلله هم اتفاق افتاده. پیام‌هایی که به سمت برنامه می‌آید، محبتی که مردم چه در کوچه و خیابان و چه در فضاهای مجازی برنامه به سمت ما می‌فرستند، مشخصاً معلوم است. حالا یک عده هم هستند که کلاً در فضای مجازی بد و بیراه می‌گویند که اصلاً مسبوق به سابقه است. ما با آن قصه کاری نداریم، ولی در خصوص این موضوع، آن بیان طنز که همان عبارت شعر مولانا بود که ما گفتیم: «هفت شهر عشق را عطار گشت، ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم.» یک کلمه بود، نه قبلی داشت نه بعدی داشت. این یعنی چه؟ منظور این بود که آقای استقلالی که ده میلیون دلار هزینه کرده‌اید، هوادار ناراحت است. یا اینکه مدیرعامل محترم، شما که عزیز هستید، توجه بیشتری داشته باشید چون هوادار پشت شماست.

عملاً شما دارید می‌گویید که این برداشت کری خواندن صحیح نبوده است.

ابداً ابداً ابداً. اصلاً روند کار ما کاملاً مشخص است.

برداشـــت عمومی این بود که شما کری خوانده‌اید، مثلاً به‌عنوان یک پرسپولیسی. چون پیش‌تر هم در کانال‌های هواداری مطالبی درباره بودجه و هزینه‌ها مطرح شده بود و گفتند فلانی پرسپولیسی است و این‌گونه می‌گوید. این اشتباه است.

اشتباه محض همین است. همین الان به هواداران استقلال، پرسپولیس، سپاهان و تراکتور می‌گویم: کسی که در جایگاه رسانه ملی قرار می‌گیرد، اگر از یک تیم یا یک جریان هواداری بکند، باید به هوش، فکر، اجرا و مدل آن فرد شک کرد. یعنی آن فرد هنوز درک درستی از رسانه و جایگاهی که در آن قرار گرفته است، ندارد و پوزیشن را متوجه نیست.

نه، اصلاً این‌گونه نیست. چون اگر این طور بود، ما باید شب قبل تیکه‌ای می‌انداختیم یا مثلاً می‌گفتیم: «آره، قرمز ته» یا «آبیته». نه، از این مسخره‌بازی‌ها نداریم. در خصوص بودجه هم اگر دقت کنید، ما با آقای خیابانی صحبت می‌کردیم و گفتیم با توجه به نتیجه‌ای که استقلال در هفته‌های اول و دوم گرفته بود و خوب نبود (باخت داده بود)، آیا اتفاقی می‌افتد؟ ایشان مثالی زدند و گفتند: «آفتابه و لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی.» این را آقای خیابانی گفتند. منظورشان این بود که شرایط هندوانه در بسته است. ما فعلاً منتظر می‌مانیم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد. پیش‌بینی ما این بود که این تیم ناهماهنگ است. یعنی بازیکنان جدید (هر کسی را هم که جذب کنید) را تا وقتی نتوانید کنار هم بچینید، تیم نمی‌شود. چون تیم را یک نفر نمی‌چرخاند! و استثنایی مثل لیونل مسی که بتواند یک‌تنه تیم را تا فینال جام جهانی ببرد، نه در استقلال وجود دارد و نه در دنیا. این فضا، فضایی است که کاملاً نگاه منطقی دارد و می‌گوییم اگر خریدها اتفاق افتاد، این خریدها بر اساس خوبی بوده است. چرا در مورد تراکتور نمی‌گوییم؟ ما که می‌گوییم خریدهای تراکتور خیلی خوب و منطقی بوده است. خب اگر تراکتور را می‌گوییم، مگر کسی دست ما را بسته است؟ ما از جایی پول نمی‌گیریم و وابسته هم نیستیم، الحمدلله رب العالمین. پاکِ پاک آمده‌ایم و داریم در مورد یک فضای خوب صحبت می‌کنیم و در رسانه هم حرف دلمان را می‌زنیم. چرا در مورد بقیه تیم‌ها این را نمی‌گوییم؟ خاصه در مورد تراکتور می‌گوییم. پرسپولیس هم الان در باشگاه‌های آسیا نیست و چه‌بسا اگر بود، بدتر بود. چه‌بسا اگر نتیجه نمی‌گرفت، یک مثال بهتر در مورد پرسپولیس می‌زدم؛ یعنی اصلاً به هیچ عنوان هواداری در کار نیست. اما شیوه وایرال شدن این قضیه جوری رقم خورده که شاید برخی از دوستان بخواهند نتایج را زیر سایه این قصه ببرند، این حاشیه بُلد شود و شاید چند روزی تنفس بگیرند تا ببینند چه کار کنند. فعلاً مردم سرشان با وایرال برنامه‌ها گرم باشد. الان کاملاً مشخص است که اصلاً این حالت را دارند جوری جا می‌اندازند که انگار هواداری بوده است. به هیچ عنوان، به هیچ عنوان.

بله، البته کمی هم واکنش‌هایی که همین یکی دو روز قبل خودتان داشتید، به نظرم روی [جریان‌سازی] اثرگذار بوده است.

نه، کاملاً متفاوت بود. در مورد واکنش بگویم. اگر دقت کنید، یک اتفاق جدید در برنامه افتاده و این اتفاق در تاریخ برنامه‌سازی تلویزیون، آن هم در صبح، نبوده است. ما هر روز با یک نمایش آغاز می‌کنیم؛ یعنی یک اینتروی نمایشی داریم. می‌آییم شروع می‌کنیم و در مورد یک موضوع نمایش می‌دهیم. چه من، چه آقای خسروی و چه خانم نصیری در آن نمایش قرار می‌گیریم. نمایش آن روز در مورد یک‌سری مسائل بود و یکی از بندهای آن نمایش، «خیارشور» بود. یعنی من باید در آن حالت می‌گفتم که آره مثلاً این را از توی دبه خیارشور درآوردم، خیارشور دوست داشتم. این‌گونه در نمایش صبح بود. آن نمایش، یک نمایش کاملاً استثنایی است، چون هیچ‌گونه تمرینی صورت نمی‌گیرد یعنی همه‌چیز تقریباً در صحنه خلق می‌شود و اجرای بداهه است.

بله، بله.

متنی وجود دارد، ولی غالباً بداهه است. احساس می‌کنم که این فضا، یک فضای جدید در تاریخ تلویزیون است که مجری دارد همزمان بازی می‌کند و موضوع را جا می‌اندازد و ما بازی می‌کنیم. این کار در بسیاری جاها عجیب، نو و بدیع است، چون شما می‌دانید برای بازی کردن (چه تئاتر، سینما و تلویزیون) باید بنشینید دورخوانی کنید و نقش را درآورید. حداقل زمانی که برای آن در نظر می‌گیرند بین یک هفته تا ۱۰ روز است که تازه آن نقش را پیدا کنید. در حالی که شـــما هر روز یک نقش را در حد بیست دقیقه در آنتن اول صبح پیاده‌سازی می‌کنید که باید مخاطب را به سمت خود بکشاند و پیام شما را بفهمد. این کار کاملاً استثناست. می‌خواهم این را کاملاً بُلد کنید و جا بیفتد.

در خصوص آن قصه هم، در متن نمایشنامه خیارشور بود. یک مخاطب پیام داده و از آن وام گرفته بود. گفته بود مثلاً «آقای خیارشور، چرا به هوادارها توهین می‌کنی و این‌ها» (مثلاً سر قضیه هفت شهر). در صورتی که شما باید اول، قبل از این قضیه، بروی به سمت جایی که مشکل هست. مشکل ما نیستیم که؛ برو به سمت جایی که مشکل هست. به هوادار هم حق می‌دهم چون دیده تیم خرج کرده است. الان هم شاید بگویند که آقا تیم در حد لالیگا و بازیکن‌های منتخب جهان بسته شده است. خب ما الان باید یقه چه کسی را بگیریم؟ با چه کسی باید صحبت کنیم؟

حالا ما یک بیت شعر خواندیم. جالب است، این را هم می‌خواهم باز شود: بقیه دوستان ما، چه در فضای مجازی و چه در تلویزیون، نقدهای به‌شدت سنگین‌تری را مطرح کردند، اما ما یک بیت شعر خواندیم. جالب است، ما هیچ چیز نگفتیم ولی آن بیت شعر دیده شد. حالا شاید به‌خاطر کاراکتر من است، شاید به‌خاطر توجه به برنامه است، شاید خاص بودن قصه است. چون می‌گویم بقیه حتی خیلی شدیدتر هم رفتند، اما مال ما بُلد شد و حتی آن پیامی که داده شد، من به طنز پاسخ دادم. یعنی گفتم: «به من می‌گی خیارشور؟ خیارشور خودتی!» اصلاً شـــما نگاه کنید، پیام طنز اســـت. بعد گفتم آره داداش ما داریم شوخی می‌کنیم، آره بلدیم. کار ما این اســـت که... من دارم پاسخ کسی را می‌دهم که به من مثلاً «دیس» (DISRESPECT) داده است. می‌دانید، در فضای مجازی یکی دو شخصیت هستند که سر همین ماجرای «هفت شهر عشق» داشتند ما را زیر سؤال می‌بردند. من به هوادار گفتم اصلاً این حرف‌ها مسخره است. ما در مقابل هواداریم، اما این موضوع به‌طور هنرمندانه‌ای وایرال شده که طنز آن دیده نشود و به گونه‌ای جلوه کند که انگار من دارم به هوادار توهین می‌کنم. حال، این چند مورد هم به آن اضافه شده است.

من حتی با هیئت مدیره (که بسیاری از آن‌ها دوستان و قدیمی‌های ما هستند) و جناب آقای جویباری (از قدیمی‌های استقلال) و آقای تاجرنیا (که فرد بسیار محترمی است و تلاش کرده) هم‌کلام هستم. مسئله ما این است که با این همه تلاش، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. چون هوادار اکنون دارد بحث می‌کند و می‌گوید با این تیم چکار کنیم؟ تیمی که شاید بازیکنانش منتخب جهان باشند، دروازه‌بانش در حد رنال، کناره‌هایش منچسترسیتی و بارسلونا؛ خب باید نتیجه بگیرد، اما یک برد ندارد. این وضعیت بسیار سخت است و تیم را در موقعیت بدی قرار می‌دهد. حالا شما فکر کنید در این فضا، من چقدر باید احمق یا بی‌تجربه باشم یا اصلاً ندانم در چه فضایی قدم می‌زنم که برگردم و به هوادار توهین کنم. اصلاً این‌گونه نیست. نبوده است و صریحاً تکذیب می‌کنم.

اتفاقاً در برنامه پنجشنبه با جواد خیابانی بودم و گفتم که آقایان رفقا، جوری وایرال می‌کنند که ما را مقابل هوادار قرار دهند. در حالی که ما یک باشگاه، یعنی استقلال را دوست داریم. چرا؟ چون من از سنی به بعد متوجه این قضیه شدم: اگر یکی از دوگانه‌ها (استقلال و پرسپولیس) ضعیف شود، دیگری هم بالا نمی‌رود. اگر دقت کنید، چند سالی که استقلال و پرسپولیس ضعیف بودند، لیگ دیگر جذابیت نداشت و همه می‌گفتند چرا تیم ملی دهه هفتاد نیست؟ چرا تیم ملی دهه هفتاد جذاب بود؟ چون استقلال و پرسپولیس خوب بودند. با احترام به همه تیم‌های باشگاهی، اما بالاخره استقلال و پرسپولیس از قدیم‌الایام (چه قبل و چه بعد از انقلاب) مهم بوده‌اند. بعد از انقلاب، با موج بیشتری هم این اتفاق افتاد؛ حتی جنگ باعث شد توجه مردم به فوتبال بیشتر شود. جنگ یک عامل محرک بود و مردم به ورزشگاه‌ها آمدند. اگر یادتان باشد، ورزشگاه‌ها ۱۲۰ هزار نفر ظرفیت داشت و کنار چمن می‌نشستند.

به نظرم خود این هم به فضا دامن می‌زند. یعنی مدل نمایشی شما که خیلی مشخص است. سر ماجرای خیارشور خیلی معلوم بود که شما نه از سر عصبانیت، بلکه از سر یک شوخی دارید جواب می‌دهید. این مدل نمایش خود به خود زمینه را برای این شکل از وایرال شدن باز می‌گذارد.

حقیقتش را بخواهید، من باز هم تکرار می‌کنم، گویش من، گویشی است که شاید برای وایرال شدن جذاب باشد. آدم وقتی در این فضا قرار می‌گیرد و متوجه می‌شود، به گذشته نگاه می‌کند تا ببیند چه اتفاقی افتاده است. برخی از گزارش‌ها یونیک و خاص شدند. مثل گزارش ۸ آذر ۷۶ (ایران و استرالیا) که فضای آن بازی و اتفاقات، باعث بُلد شدن گزارش آقای خیابانی شد.

بعدها به من گفتند و من آمارها را دیدم؛ یکی دیگر هم گزارش المپیک (تکواندو) بود که موج عجیب‌وغریبی داشت. ما بیش از ۱۰ میلیون تماشاچی تنها در شبکه ورزش داشتیم. بازی تیم ملی ترکیه هم ترکید. مردم واکنش‌های عجیب‌وغریبی داشتند. به شما عرض می‌کنم، فقط بخشی از آن، مادرها و مادربزرگ‌ها بودند که زنگ می‌زدند و می‌گفتند: «آقای مهربانی چهار تخمه بخوره، چی بخوره، صداش برای المپیک و فینال است، مثلاً آرین برسد.» اصلاً چنین چیزی نداشتیم و نداریم. خب این برگرفته از چی بود؟ این بود که آقا شما یک ریل جدید می‌گذارید، یک قاعده جدید می‌گذارید.

آیا قرار است برنامه «سلام صبح بخیر» باز هم از این ترفندها و ایده‌های جدید داشـــته باشد؟ یعنی همین نوگرایی و همین کارهای متفاوت را ادامه دهد؟

بله. اصلاً مسیری که شروع شده، به همین شکل است و این وایرال‌شدگی را به نظرم باید در نظر بگیریم و فکری به حالش بکنیم که نتوانند به این شکل از آن سوءاستفاده کنند.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

منظورم این است همان طور که گفتم، ظرفیت و کانسپت (CONCEPT) برنامه شما (یعنی همین نوع تعامل و پاسخگویی) خودبه‌خود تأثیر می‌گذارد. نه، متوجهم چه می‌گویید. شما یک فضا را ببینید. فردی که پیام می‌دهد، می‌توانست بگوید: «آقای مهربانی، ما از آن قضیه پیر شدیم.» (ادبیات متفاوتی است). بله، بله. ما که نگفتیم. این بار من نیامدم بگویم: آی خیارشور، آی فلان... من این کار را نکردم. آن ادبیات از طرف فردی بود که پیام داد (حال این که خوانده بشود یا نشود).

اولاً یک نکته بگویم، ما آن‌قدر راحت هستیم که حتی آن ادبیات (که ادبیات بدی هم نیست و در ظاهر چیز بدی نیست) در برنامه مطرح می‌شود. یعنی تا جایی که می‌توانیم، راحت و بدون پشت صحنه هستیم. نمی‌خواهیم بگوییم برنامه خیلی سفت و سخت گرفته شده اســـت. نه، خیلی راحتیم. همان حالت طبیعی مردم است. البته دیس و دیس‌بک بازی هم نیست. این را هم به شما بگویم. اما من در کلامم دیدم که او آن بیان را به‌کار برد. من تیکه‌ای به دوستانی که به ما لطف داشتند انداختم و گفتم: «عزیزم، ما کلاس شوخی هم می‌رویم.» همین. ولی اگر آن ادبیات این‌گونه می‌گفت: «آقای مهربانی فلان...» تا این که بگوید «آقای فلان این جوری...» من هم گفتم آقا «خودتی فلان و بهمان.» من به آن حالت پیامکی پاسخ دادم.

در مقابل هوادارها هم که دیگر پاسخ دادم، اصلاً این‌گونه نیست. مدل برنامه از لحاظ جذابیت، نمایش و اتفاقات نو مطمئن باشید ادامه‌دار خواهد بود و وایرال‌های بیشـــتری هم خواهد آمد. این طبیعی است. از چیز نو و جذاب استقبال می‌شود. حالا ما باید حواسمان باشـــد که از این به بعد اگر می‌خواهیم نکته‌ای را بگوییم، یک جوری تبیینش کنیم که به‌دست‌سوءاستفاده‌گران برای دوگانه‌سازی و دوقطبی‌های الکی نیفتد و آن قضیه هم به این شکل ختم به خیر شود ان‌شاءالله.

شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
شماره ۴۵۲۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE